

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۴۰	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۲۰
عنوان ۱	نماز مسافر				
عنوان ۲	شروط تقصیر				
عنوان درس حاضر	شرط سوم از شروط تقصیر: استمرار القصد				

مرور درس های گذشته

درباره فرع سوم سخن می گفتیم که درباره تردد بعد از شروع سفر بود.

صورت اول: در حال تردد قطع طریق نکند و مردداً در همان محل بماند و بعد دوباره قصد ادامه سفر کند، گفتیم که اگر ادامه سفر او به اندازه حد مسافت نبود تمام بر او واجب است حتی اگر با انضمام به مقدار طی شده هم محاسبه شود بر او تمام واجب است.

صورت دوم: در حال تردد قطع مسافت کند، مردد است اما در حین تردد هم بخشی از مسافت را طی می نماید، و بعد عزم بر ادامه سفر برای او حاصل شده است در این صورت دوم چند فرض وجود دارد:

فرض اول: باقیمانده از سفر، مسافت باشد یا بیش از مسافت باشد؛ در این صورت در ادامه سفر باید قصر بخواند زیرا سفر پیش روی او مسافت است.

فرض دوم: باقیمانده از سفر، حتی به انضمام مسافت طی شده تا قبل از تردد مسافت نیست؛ در این فرض هم واجب است تمام بخواند.

فرض سوم: مسافتی را طی نموده است و مقداری را نیز در حال تردد طی نموده و باقیمانده از سفر او نیز مثلاً پنج فرسخ است یا شش فرسخ است به این صورت که با مقدار قبل از تردد حد مسافت هشت فرسخی محقق می شود؛ که این فرض محل بحث واقع شده است و دو مبنا در این فرض وجود دارد:

۱. **مبنای اول:** چون روی هم رفته هشت فرسخ می شود قصر بخواند. [مبنای مرحوم صاحب مستمسک رحمته، مرحوم صاحب عروه رحمته هم درباره این فرع فرموده اند این فرع دارای وجه است].

۲. **مبنای دوم:** در باقیمانده سفر باید تمام بخواند و مقدار باقیمانده را نمی توان به مقدار طی شده منضم نمود. لذا باید در مابقی تمام بخواند.

سؤال: چه دلیلی برای اثبات مبنای اول وجود دارد؟ به عبارت دیگر دلیل مرحوم صاحب مستمسک رحمته چیست که بر آن مبنا می فرماید باید در باقیمانده شکسته بخواند؟

دلیل اول: اطلاق ادله وجوب التقصیر برای کسی که سفر او هشت فرسخ است؛ به این تقریب که این ادله شامل این شخص نیز می شود و لذا باید شکسته بخواند.

لکن به عقیده ما بر این دلیل اشکالی وارد است و آن اینکه:

اولاً: در گذشته گفتیم شرط سومی هم علاوه بر قصد و قطع مسافت وجود دارد و آن اشتراط استمرار قصد بود و در مورد بحث استمرار قصد وجود ندارد بنابراین اطلاقات «يجب التقصير في ثمانية فراسخ» با دلیلی که می گوید «بشرط أن يستمر القصد في تمام المسافة»^۱ تقید می خورد.

ثانیاً: می توان اینگونه ادعا نمود که ادله وجوب تقصیر در هشت فرسخ اطلاق ندارد تا مثل این فرض را شامل بشوند زیرا انصراف دارند به صورت اتصال سفر و وحدت سفر؛ سفر باید واحد باشد و تحقق سفر واحد متفرع بر وحدت قصد است اما اگر ترددی در حین سفر متخلل شود و بعد از تردد دوباره ادامه دهد سفر دیگر وحدت ندارد.^۲

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۱. ادله اشتراط قصد سابقاً در دروس قبل مطرح شده است یکی از آنها همان مؤثقه عمار است که عبارت آن این بود:

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عُمَرَ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ فِي حَاجَةٍ فَيَسِيرُ خَمْسَةَ فَرَاسِخَ أَوْ سِتَّةَ فَرَاسِخَ فَيَأْتِي قَرْيَةً فَيَنْزِلُ فِيهَا ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهَا فَيَسِيرُ خَمْسَةَ فَرَاسِخَ أُخْرَى أَوْ سِتَّةَ فَرَاسِخَ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ ثُمَّ يَنْزِلُ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ قَالَ لَا يَكُونُ مُسَافِرًا حَتَّى يَسِيرَ مِنْ مَنَزِلِهِ أَوْ قَرْيَتِهِ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ فَلْيَتِمَّ الصَّلَاةُ» (أقول: يَعْنِي حَتَّى يَسِيرَ بِقَصْدٍ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ...) وسائل الشيعه؛ تنمّة كتاب الصلاة، ابواب صلاة المسافر، باب ۴، ح ۳.

۲. نکته: چه در دایره عبادات و چه در معاملات تمامی احکام شرعیه تأسیسی است و اصلاً حکم امضایی معنا ندارد؛ اما گاهی دلیل شرعی بر جعل شرعی وجود ندارد اما از سیره عقلاییه کشف می شود که تأسیساً حکم شارع به فلان صورت بوده است.